

اختلافات

مقدمه

متأسفانه یکی از مشکلاتی که بعضی اوقات در میان مؤمنین به وجود می آید اختلافات به دلایل مختلف است. البته اختلاف سلیقه در همه جا هست ولی وقتی موضوع اختلاف سلیقه باشد در عین دوستی و رفاقت و ادای حقوق برادر و خواهر مؤمن، در روش کار اختلافاتی به وجود می آید که اهمیت چندانی ندارد. ولی مشکل از زمانی آغاز می شود که شیطان و نفس اماره این مسائل جزئی را به اختلافاتی کینه توزانه تبدیل می کنند و کسانی که در یک مکان مقدس دور هم جمع شده اند تا در راه رضای خدا گام بردارند به افرادی تبدیل می گردند که در منجلاب گناه غرق می شوند و خود اصلاً توجهی به عمق این فاجعه ندارند.

آنچه در این مقاله می خوانید بررسی اجمالی از دلایل این اختلافات و راه حل های رفع این معضل می باشد.

دو گونه اختلاف

شاید بتوان اختلافات را به دو شکل اساسی تقسیم نمود. یکی از آن ها اختلاف بین جبهه حق و جبهه باطل است. اختلاف میان امام حسین علیه السلام و یزید و یزیدیان از این نوع است و این گونه اختلافات تا انتهای هستی ادامه خواهد داشت.

اختلافات جبهه حق

ولی آن چه باعث تأسف است درگیری و اختلاف در بین کسانی است که همگی در جبهه حق حضور دارند و در بزنگاه های مبارزه با کفر و نفاق در کنار یکدیگر در مقابل دشمنان اسلام و انقلاب می ایستند. البته اگر تفاوت دیدگاه ها به تفاوت عقاید و کینه توزی مبدل نشده باشد.

در زیارت عاشورا و در زیارت جامعه کبیره و بعضی از زیارت نامه های دیگر به ما دستور داده شده است که بخوانیم:

«أَيُّ سَلْمٍ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرْبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ -

من با کسی که با شما در صلح بوده در صلح هستم و با آن کس که با شما در جنگ می باشد تا روز قیامت در جنگ خواهم بود.»

و در فرازی دیگر از زیارت عاشورا آمده است:

« وَ وِلِيٌّ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ -

کسی که شما را دوست دارد دوستش دارم، و با آنان که با شما دشمنی دارند دشمن می باشم.»

ایمان دیگران را رد نکنیم

طبق این دستور اهل بیت علیهم السلام اگر کسی محب اهل بیت عصمت و طهارت باشد باید با او دوستی و برادری نماییم و نباید با موالیان اهل بیت دشمنی داشته باشیم. البته در این گونه مواقع نفس اماره این وسوسه را در دل ایجاد می کند که این فرد اگرچه در زبان اظهار دوستی می نماید ولی روشش در دشمنی با اهل بیت است پس ما نمی توانیم با او برادر باشیم در حالی که طبق دستور ائمه اطهار همین اظهار دوستی برای ما کافی است و ما اختلاف سلیقه خود با افراد را نمی توانیم حمل بر دشمنی فرد با این بزرگواران قرار دهیم و از طرفی چنین سخنی تهمت و گناه بسیار بزرگی است و نمی توان به راحتی کسی را متهم به دشمنی با ائمه اطهار نمود زیرا دشمنی با ائمه کفر است.

به روایات زیر دقت بفرمایید.

امام باقر علیه‌السلام فرمودند:

«مَا شَهِدَ رَجُلٌ عَلَى رَجُلٍ بِكُفْرٍ قَطُّ إِلَّا بَاءَ بِهِ أَحَدُهُمَا إِنْ كَانَ شَهِدَ بِهِ عَلَى كَافِرٍ صَدَقَ وَ إِنْ كَانَ مُؤْمِنًا رَجَعَ الْكُفْرُ عَلَيْهِ فَإِيَّاكُمْ وَ الطَّعْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ -

هیچ‌گاه مردی به کفر مرد دیگر گواهی ندهد (مثل این که بگوید: تو کافری، یا بگوید. ای کافر) جز این که به یکی از آن دو برگردد، اگر به کفر کافری گواهی داده (یعنی طرفش واقعاً کافر بوده) که راست گفته، و اگر مؤمن است کفر به خودش برگردد، پس مبادا به مؤمنی طعن زنید.»^۱

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ وَ مَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَاتِلِهِ

- ملعون است، ملعون است کسی که مؤمنی را رمی به کفر کند و هر کس مؤمنی را متهم به کفر سازد مانند آن است که او را کشته باشد.»^۲

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

«سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ -

دشنام‌گوئی به مؤمن نافرمانی است، و جنگیدن با او کفر است، و خوردن گوشتش (به‌وسیله غیبت) گناه است، و احترام مال مؤمن مانند احترام خون اوست.»^۳

ابو حمزه گوید: شنیدم حضرت صادق علیه‌السلام می‌فرمود:

«إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ أَفٍ خَرَجَ مِنْ وَلَايَتِهِ وَ إِذَا قَالَ أَنْتَ عَدُوِّي كَفَرَ أَحَدُهُمَا وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ سُوءًا -

هنگامی که مردی به برادر مؤمن خود بگوید: "اف" از پیوند (دینی) با او بیرون رفته، و هر گاه به او بگوید: تو دشمن منی، یکی از آن دو کافر شده‌اند، و خداوند از هر مؤمنی که نیت بد نسبت به برادر مؤمنش در دل دارد هیچ عملی را نپذیرد.»^۴

حضرت صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ أَمَّا إِيمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاطُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ -

همین که مؤمن برادر (دینی) خود را تهمت زند ایمان از دلش زدوده شود، چون نمک در آب.»^۵

البته در این خصوص روایات زیادی وجود دارد ولی به نظر نویسنده تکان دهنده‌ترین آن حدیث زیر است که امام صادق علیه‌السلام فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ وَ جَلَالِ كِبْرِيَاءِهِ فَمَنْ طَعَنَ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَوْ رَدَّ عَلَيْهِ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ فِي عَرْشِهِ وَ لَيْسَ هُوَ مِنَ اللَّهِ فِي وَلَايَةٍ وَ إِنَّمَا هُوَ شِرْكُ شَيْطَانٍ -

خداوند تبارک و تعالی مؤمن را از نور عظمت و جلال و بزرگی خویش خلق فرمود، پس هر کس به مؤمن طعنی بزند یا (سخن) او را رد کند، خداوند را در عرش او، رد کرده است و در دایره‌ی ولایت الهی نیست و در دام شیطان گرفتار شده است.»^۶

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲، ص ۳۶۰

۲. کنز الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۰

۳. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲، ص ۳۶۰

۴. وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۹۹

۵. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲، ص ۳۶۱

۶. المحاسن، ج ۱، ص ۱۳۱

ضعیف شدن؛ نتیجه اختلافات

بر اساس آمار حداقل چهل هزار رده مقاومت بسیج در سراسر کشور وجود دارد و اگر جمعیت ایران را در بیشترین احتمال آن در نظر بگیریم ۸۰ میلیون نفر خواهد شد. یعنی برای هر ۲۰۰ نفر یک رده مقاومت بسیج در حال فعالیت است. این آمار در حد خود بسیار قابل توجه است و اگر هر پایگاه بسیج با کمترین امکانات به نبرد در جبهه فرهنگی پردازد در جهاد با دشمن پیروزی‌های قابل ملاحظه‌ای باید به دست آوریم، همچنان که به دست آورده‌ایم. ولی آن چه به دست آمده نسبت به آن چه باید به دست آید قابل ملاحظه نیست و ثمره مجاهدت بسیجیان در سراسر کشور به اندازه فعالیت و زحمات آنان نمی‌باشد. این مسئله دلایل متعددی دارد که هر کدام در جای خود بسیار مهم و اساسی است و باید توسط مسئولین امر و کارشناسان مورد بررسی و کنکاش قرار بگیرد. ولی بدون شک یکی از علل مهم آن وجود اختلاف سلیقه‌هایی است که می‌تواند به راحتی مرتفع گردد.

امیرالمؤمنین فرموده است: «الْخِلَافُ يَهْدِي الرَأْيَ - اختلاف و درگیری فکر و اندیشه را نابود می‌کند»^۱

خداوند در آیه ۴۶ سوره انفال به این مسئله اشاره کرده و می‌فرماید اگر دچار اختلاف و نزاع شوید ضعیف خواهید شد.

«وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَارَعُوا فَنفَشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است!»

«و لَا تَوَارَعُوا فَنفَشُلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ - یعنی با نزاع و کشمکش در میان خود ایجاد اختلاف نکنید، و در نتیجه خود را دچار ضعف اراده مسازید و عزت و دولت و یا غلبه بر دشمن را از دست دهید، چون اختلاف، وحدت کلمه و شوکت و نیروی شما را از بین می‌برد.»^۲

دلیل اختلافات

الف) فراموشی تذکرات الهی

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده/۱۴)

و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آن چه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آن‌ها را از آن چه انجام می‌دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت. از این آیه مشخص می‌شود که:

۱- نتیجه‌ی فراموشی تذکرات الهی و بشارت عهدین، تفرقه و عداوت است.

فَنَسُوا ... فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ

۲- از پیامدهای تلخ پیمان شکنی دیگران و کافر شدن آنان عبرت بگیریم. (از نصارا پیمان گرفتیم، چون فراموش کردند گرفتار بدبختی شدند). أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا ... فَأَغْرَيْنَا

۳- تفرقه و دشمنی، از عذاب‌های الهی است. فَنَسُوا ... فَأَغْرَيْنَا^۳

۱. نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۵۰۷

۲. ترجمه تفسیر المیزان ج ۹ ص ۱۲۶

۳. تفسیر نور ج ۲ ص ۲۵۸

ب) نفاق، ظلم، خودبینی

امام صادق علیه‌السلام نیز در روایتی سه صفت را دلیل بروز دشمنی و اختلاف بیان می‌فرماید:

«ثَلَاثَةٌ مَكْسَبَةٌ لِلْبُعْضَاءِ النَّفَاقُ وَ الظُّلْمُ وَ الْعُجْبُ -

سه چیز دشمنی آرند، نفاق، ظلم و خودبینی»^۱

با این روایت باید خود را محک بزنییم که اگر با مؤمنی اختلاف داریم، آیا درصدی از نفاق در وجود ما هست یا خیر. در این محک غضب و ناراحتی را دخیل نباید کرد و انصاف را باید به یاری طلبید.

ج) گناه

امیرالمومنین علی علیه‌السلام فرمود:

مَا تَنَازَكْتُمْ إِلَّا لِمَا فِيكُمْ مِنَ الْمَعَاصِي وَ الذُّنُوبِ

دشمنی‌ها و اختلافات شما (چیزی) نیست مگر اثر گناه^۲

د) هوای نفس، منشاء اختلافات

حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه فرموده است:

«منشأ اختلافات از هوای نفس است. هر کجا اختلاف بین خودتان دیدید، مطمئن باشید که از هوای نفس سرچشمه گرفته است. البته اختلاف بین انبیا و افراد مقابل آن‌ها و اسلام و کفر همیشه بوده است، ولی آن اختلاف از عبودیت سرچشمه می‌گیرد. شما اختلافاتی را که از نفسانیت سرچشمه می‌گیرد باید از بین ببرید و مطمئن باشید که اگر کارهایتان از الوهیت سرچشمه نگیرد و از وحدت اسلامی بیرون بروید، مخذول (بی‌بهره و سرافکنده) می‌شوید... کراراً عرض کردم که اگر انبیا در یک مکان جمع شوند با هم اختلاف پیدا نمی‌کنند، زیرا مقصد و هدف و مقصود، یکی و الهی است.»^۳

نعمت برادری

دوستی و برادری یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است تا جایی که خداوند در آیه ۱۰۳ سوره‌ال عمران می‌فرماید اگر این

نعمت نبود همگی اهل دوزخ می‌شدید:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى

شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسیله وحدت]، چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او، برادر شدید! و شما بر لبِ حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد شاید پذیرای هدایت شوید.»

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام نیز فرموده‌اند:

«لَيْسَ مَعَ الْإِخْتِلَافِ إِتِّلَافٌ -

با اختلاف الفت میسر نیست»^۴

۱. تحف‌العقول ص ۳۱۶

۲. تحف‌العقول ؛ النص ؛ ص ۹۹

۳. صحیفه نور ج ۱۸ ص ۱۳۵

۴. تحف‌العقول ص ۸۵

به نظر می‌رسد تنها راه حل رفع اختلافات و ایجاد برادری و وحدت بیش از پیش این است که هرکس در اعمال خود اندیشه کند و به دور از خودخواهی بررسی نماید که چه قدر در ایجاد اختلاف مقصر است و چه قدر می‌توانست اختلاف سلیقه‌ها را تحمل نماید. از طرفی به اعمال فردی و اجتماعی خود رجوع کنیم و از گناهان توبه نماییم زیرا امام باقر علیه‌السلام فرموده است:

«إِنَّ اللَّهَ قَضَىٰ قَضَاءً حَتْمًا أَلَّا يُنْعَمَ عَلَى الْعَبْدِ بِنِعْمَةٍ فَيَسْلُبَهَا إِيَّاهُ حَتَّىٰ يُحْدِثَ الْعَبْدُ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ بِذَلِكَ النَّقْمَةَ — خداوند حکم قطعی فرموده است که هیچ نعمتی را از کسی نگیرد مگر آن که مرتکب گناهی شود که استحقاق آن نعمت و بلا را داشته باشد.»^۱

ب) صبور باشید

وَ اصْبِرُوا یعنی «در اطاعت و وحدت، پایدار باشیم و اگر چیزی بر خلاف میل ما بود، یا بر خلاف میل ما عمل شد، صبور باشیم و یکدیگر را تحمل کنیم.»^۲

ج) رفع اختلافات؛ منوط به رفع تیرگی‌های قلب

قرآن نیز رفع اختلافات و ایجاد برادری را منوط به رفع تیرگی‌های قلب می‌نماید و در آیه ۴۷ سوره حجر می‌فرماید: «وَ نَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ - هر گونه غلّ [حسد و کینه و دشمنی] را از سینه آن‌ها برمی‌کنیم (و روحشان را پاک می‌سازیم) در حالی که همه برابرند، و بر تخت‌ها رو به روی یکدیگر قرار دارند.»
«بعد از ذکر نعمت سلامت و امنیت در آیات فوق و قبل از بیان نعمت اخوت و برادری، مسأله ریشه‌کن شدن انواع صفات مزاحم، همچون کینه و حسد و غرور و خیانت ذکر شده و با کلمه " غِلّ " که مفهوم وسیعی دارد، به همه‌ی آن‌ها اشاره گردیده است. در حقیقت اگر قلب انسان از این " غِلّ " شستشو نشود، نه نعمت سلامت و امنیت فراهم خواهد شد و نه برادری و اخوت، بلکه همیشه جنگ است و ستیز، و همیشه دعوا و کشمکش، و به دنبال آن بریدن رشته‌های اخوت و سلب سلامت و امنیت.»^۳

اختلافات؛ عذاب گناهان ماست

و ممکن است خداوند به دلیل گناهان ما نعمت برادری را از ما سلب نماید چنان که در آیه ۶۵ سوره انعام یکی از عذاب‌هایی را که به واسطه گناهان ممکن است بر انسان‌ها بچشانند را اختلاف و چند دستگی بیان می‌فرماید.
«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَعْثَٰ عَلَىٰكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَ يَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ - او قادر است که از بالا یا از زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا به صورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ (و اختلاف) را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشانند.»

در آیه زیر هم که قبل آمد ایجاد اختلافات عذاب الهی ذکر شده است:

وَ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَبْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (مائده/۱۴)

و از کسانی که ادعای نصرانیت (و یاری مسیح) داشتند (نیز) پیمان گرفتیم؛ ولی آن‌ها قسمت مهمی را از آن چه به آنان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ از این رو در میان آن‌ها، تا دامنه قیامت، عداوت و دشمنی افکندیم. و خداوند، (در قیامت) آن‌ها را از آن چه انجام می‌دادند (و نتایج آن)، آگاه خواهد ساخت.

۱. الکافی (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۲۷۳

۲. تفسیر نور ج ۴ ص ۳۳۶

۳. تفسیر نمونه ج ۱۱ ص ۹۵